

درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: تتمه احکام غسل

موضوع جزئی: حکم اجتماع اغسال متعدده بر مکلف

سال تحصیلی: ۱۴۰۲-۱۴۰۱

تاریخ: ۲۶ مهر ۱۴۰۱

مصادف با: ۲۱ ربیع الأول ۱۴۴۴

جلسه: ۱۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۶۹۸ بود. بحث مذکور، از مَنظَر قواعد و روایات بررسی شد. در ذیل بررسی روایات، به روایت صحیح زرار و طُرُقی که این روایت از آن طُرُق نقل شده است، اشاره شد و عرض شد که طریق اول (طریق مرحوم کلینی (ره))، صحیح و مورد اعتماد است و از حیث سند مشکلی ندارد. در ادامه به بحث دلالتی روایت پرداخته شد و عرض شد که قدر متیقن از این روایت، موردی است که همه اغسال متعدده، واجب باشند چون مورد تسالم بین اصحاب است و اصحاب در انجام اغسال متعدده‌ای که واجب باشند در قالب یک غُسل، بحثی ندارند و مشکلی را متوجه غسل واحد که از اغسال متعدده کفایت کند، ندانسته‌اند و گفته‌اند که غسل واحد از همه اغسال واجب کفایت می‌کند و مُجْزِی است. همچنین، عرض شد که این روایت، تداخل، نسبت به اغسال مستحب را نیز جایز می‌داند.

در ادامه گفته شد که شخص می‌تواند با غُسل واحد، اغسال متعددی را نیت کند که بعضی از آنها واجب و بعضی دیگر مستحب باشند و با انجام غسل واحد، ذمه او از همه آن اغسال واجب و مستحب بری خواهد شد و غسل واحد از همه آنها مُجْزِی خواهد بود. بنابراین، سخنی که در کلمات بعضی وارد شده است؛ مبنی بر اینکه چون اجتماع وجوب و ندب محال است، از روایت صحیح زرار که بر اجتماع وجوب و ندب دلالت دارد، رفع ید می‌شود، وجهی ندارد زیرا رفع ید از ظهور روایت مذکور، در فرضی است که اجتماع وجوب و ندب عقلاً محال باشد که در این صورت، گفته می‌شود که ظهور روایت نمی‌تواند در مقابل برهان عقلی بایستد لذا باید از ظهور آن رفع ید شود، ولی صحیح این است که اجتماع وجوب و ندب نزد عقل ممتنع نیست و عقلاً استحاله‌ای در کار نیست، پس ظهور روایت به قوت خود باقی است.

**سؤال:** فرق بین حرمت و وجوب، در صورتی که نسبت بین آنها عموم و خصوص من وجه باشد، مثل نماز و غضب [که وجه افتراقشان به این نحو است که از یک طرف، ممکن است که مکان، غصبی نباشد و در آن نماز خوانده شود و از طرف دیگر، ممکن است که مکان، غصبی باشد ولی نمازی در آن خوانده نشود و وجه اشتراکشان این است که مکان، غصبی باشد و شخص در آن نماز بخواند که هم امر به نماز متوجه او است و هم نهی از غضب متوجه او است]، که گفته شده است که اجتماع وجوب و حرمت در شیء واحد محال است و بین وجوب و استحباب یا بین وجوب یا بین استحباب، که اجتماعشان جایز است [با اینکه احکام بتامه با هم متضادند و همان‌گونه که بین وجوب و حرمت تضاد است بین وجوب و استحباب نیز تضاد است] چیست؟ یعنی چرا در رابطه با حرمت و وجوب، گفته می‌شود که اجتماعشان جایز نیست و شیء واحد نمی‌تواند مصداق برای واجب و حرام باشد، لکن در رابطه با وجوب و استحباب یا دو وجوب یا دو استحباب، اجتماعشان جایز است و شیء واحد می‌تواند مصداق برای واجب و مستحب یا دو واجب یا دو مستحب باشد؟

**پاسخ:** امر؛ در مستحبات و واجبات، به طبایع به نحو صرف الوجود که از آن به ناقض العدم [، یعنی خروج از حالت عدم و تبدیل شدن به حالت وجود] تعبیر می‌شود، تعلق می‌گیرد، یعنی مولا صرف وجود مأموریه را در عالم خارج از عبد خواسته است و امر، به طبایع به نحو مطلق الوجود که به جمیع افرادش منحل می‌شود [، یعنی صرف وجود مأموریه در خارج از طرف عبد کافی نیست، بلکه همه افراد طبیعت مورد نظر باید در خارج آورده شوند]، تعلق نمی‌گیرد بنابراین، صرف وجود مأموریه از طرف عبد در خارج کفایت می‌کند و لذا اگر مکلف در خارج یک غسل انجام بدهد کافی است زیرا اتیان جمیع افراد طبیعت برای مکلف مقدور نیست، پس تعلق امر؛ در مستحبات و واجبات، به طبایع به نحو صرف الوجود است و لذا اجتماع مستحبات و واجبات در شیء واحد اشکالی ندارد، لکن حرمت این گونه نیست و تعلق نهی، به طبایع به نحو مطلق الوجود است، یعنی هیچ فردی از افراد طبیعت منهی عنه نباید در خارج محقق شود و به تعبیر دیگر طبیعت منهی عنه، طبیعت ساریه است، یعنی طبیعتی است که سرایت کننده است، مثلاً اگر مولی به عبد فرموده است که دروغ نگو، منظور این نیست که یک دروغ نگوید و دروغ‌های بعدی اشکالی نداشته باشد، بلکه نهی از دروغ به تمام افراد دروغ سرایت پیدا می‌کند لذا هیچ دروغی نباید گفته شود چون حرمت، انحلالی است و به جمیع افرادش منحل می‌شود بنابراین، اگر شخص یک بار دروغ بگوید یک حرام مرتکب شده است و اگر دو دروغ بگوید دو حرام مرتکب شده است و لذا «لا تکذب» که از طرف مولی صادر شده است تمام افراد کذب را شامل می‌شود و شخص با هر بار دروغ گفتن، حرام جدیدی مرتکب می‌شود و با ارتکاب حرام جدید، کاری را در جهت مبغوضیت امر مولی انجام داده است و مکلف اجازه ندارد که طبیعت واجبه را بر آن تطبیق بدهد، پس وقتی مولی از یک طرف گفته است: «لا تغصب» و از طرف دیگر گفته است: «صل»، لا تغصب صادر شده از طرف مولی، همه غصب‌ها را شامل می‌شود لذا امر به نماز نمی‌تواند با غصب جمع شود زیرا آن موردی از غصب که نماز با آن جمع شود نیز منهی عنه است بنابراین، چون تعلق نهی به طبایع به نحو مطلق الوجود است، اجتماع وجوب و حرمت در شیء واحد جایز نیست بر خلاف واجب و مستحب که صرف وجود طبیعت مأموریه در خارج، مراد مولاست و این صرف الوجود، هم بر غسل مستحب منطبق می‌شود و هم بر غسل واجب منطبق می‌شود.

محصل کلام اینکه، مانعی از التزام به تداخل در جمیع اقسام مذکور [أغسال واجبه، أغسال مستحبه، بعضی واجب و بعضی مستحب]، نیست.

همان گونه که قبلاً [در جلسه پانزده] نیز اشاره شد، ممکن است که گفته شود که ظاهر کلمه «حقوق» که در روایت صحیح زرارہ آمده است، شامل أغسال واجبه می‌شود و أغسال مستحبه را شامل نمی‌شود، لکن در پاسخ عرض می‌شود که این توهمی بیش نیست چون اولاً؛ واژه «حق» در لغت به معنای امر ثابت است؛ اعم از اینکه ثبوت آن حق به نحو وجوب باشد یا به نحو استحباب باشد بنابراین، واژه «حقوق» که در روایت مذکور، آمده است، هم أغسال واجبه را شامل می‌شود و هم أغسال مستحبه را شامل می‌شود و ثانیاً؛ علاوه بر واژه «حقوق»، قرینه دیگری نیز در روایت مذکور، وجود دارد که حاکی از این است که اختصاص به أغسال واجبه ندارد و آن، اینکه قبل از عبارت «فَإِذَا اجْتَمَعَتْ عَلَيْكَ حَقُوقُ أَجْزَائِهَا عَنْكَ غُسْلٌ وَاحِدٌ»، أغسال واجبه [، مثل غسل جنابت] و أغسال مستحبه [، مثل غسل زیارت] در کنار هم ذکر شده‌اند و نام همه آنها حقوق گذاشته شده است و حقوق منحصر به واجب نشده است تا گفته شود که فقط أغسال واجبه را شامل می‌شود بنابراین، أغسال مستحبه را نیز شامل می‌شود.

«الحمد لله رب العالمین»